

از بحران کرونا تا بحران سیاست جنایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۳

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۳/۱۸

محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی*

چکیده

ویروس کرونا یا covid_19 چند ماهی است که بیشتر کشورهای جهان را درگیر خویش نموده و مصائب و مشکلات فراوانی را برای آنها پدید آورده است. دامنه و ابعاد این مشکلات روزافزون و جهان در اندیشه مصائب پس از کروناست؛ از جمله ابعاد بحران کرونا، تأثیری است که بر نرخ جرم و جنایت و گونه‌های آن و نیز بر پاسخ‌دهی به آن، به‌ویژه پاسخ‌دهی کیفری داشته است. این مقاله می‌کوشد تا بر اساس گزارش‌های رسانه‌ای موجود ابعاد مختلف این تأثیرات را مورد بررسی قرار دهد؛ می‌توان ادعا کرد که بحران کرونا موجب بحران سیاست جنایی شده است؛ و اگر چاره‌اندیشی لازم نشود ممکن است این بحران منجر به مشروعیت‌بخش مدل اقتدارگرای فراگیر سیاست جنایی شود که نتیجه آن تحدید روزافزون آزادی‌های فردی و افزایش خودکامگی دولت‌ها خواهد بود. **واژگان کلیدی:** کرونا، بحران، سیاست کیفری، پیشگیری از جرم، سیاست جنایی، مدل اقتدارگرا.

۱۱۱

حقوق اسلامی / سال هفدهم / شماره ۶۴ / بهار ۱۳۹۹

مقدمه

از اواخر نیمه دوم سال ۱۳۹۸، جهان به تدریج با پدیده کوید ۱۹ (Covid_19) یا آنچه به ویروس کرونا معروف است مواجه شد. چین نخستین کشوری بود که تجربه چنین مواجهه‌ای را داشت، پس از آن به تدریج دیگر کشورهای جهان درگیر این مسئله شدند. ایران نیز در رده اولین کشورها پس از چین بود که این مواجهه را تجربه کرد. آثار و پیامدهای این ویروس تاکنون در مجموع بسیار دردناک بوده است البته هنوز برخی از پیامدها آشکار نگشته و جهان درگیر در کرونا در اندیشه مصائب پس از کرونا است. پیامدهایی که تا کنون آشکار گشته و می‌توان آنها را در عداد پیامدهای منفی این پدیده قلمداد کرد کم نیست؛ مرگ هزاران نفر و به تبع آن آسیب‌های روحی و روانی فراوانی بر بازمانده گان - بازمانده گانی که دیگر همچون گذشته در کشورهایی همچون کشور ما نمی‌توانند از مراسم و تشریفات که به نوعی تسلی خاطر برای آنها به حساب می‌آید بهره مند شوند - انبوه فراوان بیماران، تعطیلی مشاغل و دانشگاه‌ها و مدارس، بسته شدن درب‌های عبادتگاه‌ها و مکان‌های مذهبی و تعطیلی مراسم مذهبی، قرنطینه‌های اجباری، مشکلات تأمین مایحتاج ضروری مردم به ویژه اقلام بهداشتی و مواجهه با سودجویان و محتکران و دلالان و... در این میان سؤالاتی که ذهن پژوهشگران جنایی را به خود مشغول داشته این است که این ویروس چه تأثیری بر نرخ و نوع جرم و جنایت گذاشته و پیامدهای و عوارض آن بر نظام عدالت کیفری و در مقیاس وسیع‌تر سیاست جنایی کشورها چه بوده است و چه خواهد بود؟ برای مسائل حقوقی به ویژه در حوزه سرایت و هزینه‌های درمان نیز مسوولیت‌های تیم درمان و... چه پاسخی در نظام‌های حقوقی وجود دارد؟ آیا این پاسخها کارآمدند؟ مسوولیت‌ها و وظایف حکومت و جامعه در قبال پیشگیری از تشدید و یا حتی ایجاد این بحران - در مناطقی که به ظاهر تاکنون سلامت مانده‌اند چیست؟ وانبوهی از سؤالات دیگر. بحران کرونا و آثار و پیامدهای آن به حدی بوده است که همه حوزه‌های دانشی و معرفتی را به خود مشغول داشته است تا جایی که در کشور ما شاهد تأسیس کرسی درس خارج فقه بیماری‌های واگیر بودیم. در این میان حوزه علوم جنایی نیز از این وضعیت بی‌نصیب نمانده است و شاخه‌های گوناگون علوم جنایی نظیر حقوق کیفری،

جرم‌شناسی و سیاست جنایی هر یک مشغولیت‌های جدیدی پیدا نمودند. این مقاله می‌کوشد تا ابعاد تأثیر بحران کوید ۱۹ بر سیاست جنایی را مورد واکاوی قرار دهد. از آنجا که سیاست جنایی خود به‌شدت متأثر از جرم‌شناسی است، نخست مروری بر ابعاد جرم‌شناختی این پدیده خواهیم داشت، آنگاه تأثیر بحران کرونا بر سیاست جنایی کشورها را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در پایان راه‌های برون رفت از این بحران را مورد واکاوی قرار خواهیم داد.

۱. ابعاد جرم‌شناختی بحران کرونا

بحث از ابعاد جرم‌شناختی یک پدیده، متضمن بحث از چیستی و چرایی آن پدیده است (Nirmala, k. 2009, pp.3-4). بررسی چیستی جرم‌شناختی یک پدیده دست‌کم شامل بررسی نرخ و نوع جرایم و انحرافات ناشی از یک پدیده است. در این رابطه سؤال اصلی این است که ابعاد و پیامدهای جرم‌زای پدیده کوید ۱۹ کدام‌اند؟ روشن شدن این ابعاد می‌تواند ضرورت یا عدم ضرورت تحول در سیاست جنایی هر کشور را که متضمن مجموعه استراتژی‌ها، راهبردها، تدابیر و اقدامات پیشینی (پیش از وقوع جرم) یا پسینی (پس از وقوع جرم) به پدیده‌های جنایی است را روشن سازد.

۱-۱. ابعاد جرم‌زای پدیده کرونا (کوید ۱۹)

در پدیده کرونا دو عنصر ظاهراً نامرتبب اما واقعاً به هم پیوسته حضور دارند؛ بلاای طبیعی و خطرات شخصی. کرونا بار اول - احتمالاً - از حیوان به انسان سرایت کرد و هستی انسان را به‌شدت متأثر ساخت؛ و در ادامه، مسائل اجتماعی متعدد - و البته با اهمیت و اولویت متفاوت - را برای جوامع پدید آورد و حس عمیقی از «ناامنی» را در میان آحاد جوامع بر جای نهاد (سرافراز، ۱۳۹۹). کرونا حیات و هویت فردی و جمعی انسان‌ها را با «ناامنی» بیشتر گره زد؛ تعبیر به ناامنی بیشتر از آن روست که عصر معاصر با همه ابزارهای آسایش بخشی که برای بشر در پرتو پیشرفت تکنولوژی فراهم کرده است به همان اندازه و بلکه بیشتر آرامش را از بشر گرفته است! تا جایی که عصر حاضر را عصر اسپرین و قرص‌های مسکن و آرامبخش می‌خوانند؛ ناامنی و

بحرانی که بر بحران‌های انسانی ساخته دست کشورهای استعمارگر و سلطه‌جو و مستبد در حوزه جغرافیایی پیرامون ما - و به تعبیری نیم کره زیست ما - همچون بحران خونین داعش و نیز مشکلات و مصائب فراهم آمده از نادانی‌ها و جهالت‌های خودمان روزافزوده شد. ظاهراً زیستن توأم با ناامنی اقتضای گریز ناپذیر هزاره سوم شده است (همان) درهرحال تحلیلی ابعاد ناامنی و جرم و جنایت حاصل از بحران کرونا حایز اهمیت است.

گزارش‌های متفاوتی از تأثیر این پدیده بر نرخ و نوع جرم و جنایت ارائه شده است، گزارش‌هایی بسیار متناقض و متفاوت - به گونه‌ای که برخی گزارش‌ها، در آغاز، خبرهای خوشی بود از کاهش نرخ جرم و جنایت اما در ادامه بیشتر گزارش‌ها حکایت از فزونی نرخ جرم و جنایت و نیز پدیدآیی گونه‌های جدیدی از جرایم داشت.^۱ البته گزارش آمار جنایی به‌رغم اهمیت بسیار زیادی که در تدوین سیاست‌های اجتماعی و

۱. خبرگزاری ایسنا، شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۹۹ با تیتری تحت عنوان «کاهش جهانی ارتکاب جرم در روزهای شیوع کرونا» نوشت: در شیکاگو یکی از جرم خیزترین شهرهای امریکا از زمان تعطیلی شهر، میزان دستگیرهای مرتبط با مواد محذر نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش ۴۲ درصدی داشته است ... به‌طور کلی میزان جرم در شیکاگو پس از شیوع همه‌گیری این بیماری کاهش ۱۰ درصدی داشته است؛ روندی که با اعمال محدودیت‌های تردد به منظور مقابله با شیوع کرونا ویروس در دیگر شهرهای جهان نیز مشاهده شده است؛ حتی در مناطقی از دنیا که بالاترین میزان خشونت وجود دارد تعداد افراد کمتری کشته شده‌اند و سرقت‌های کمتری صورت گرفته است. باوجوداین مقامات قضایی و انتظامی نگران افزایش خشونت‌های خانگی گزارش نشده هستند و اینکه با طولانی‌شدن محدودیت‌ها چه اتفاقی می‌افتد». ژاپن تودی Japon Today نیز گزارش می‌دهد که پلیس آفریقای جنوبی اعلام کرده است که در اولین هفته از زمان آغاز محدودیت‌ها میزان جرایم کاهش قابل توجهی داشته است. افکار نیوز از افزایش ۲۲ درصدی جرایم در نیویورک خبر می‌دهد. صفحه افغانستان خبرگزاری فارس در یکشنبه ۱۴ اردیبهشت از وزارت کشور افغانستان نقل کرده است که به دلیل شیوع کرونا و اعمال قرنطینه، جرایم در کابل کاهش چشمگیری داشته است. باشگاه خبرنگاران جوان نیز در همین تاریخ از افزایش آمار جرم و جنایت در نیویورک در پی شیوع کرونا خبر می‌دهد. این خبرگزاری با اعلام این مطلب، افزایش میزان جرم قتل و سرقت را یاد آمد می‌شود و در ادامه می‌نویسد که در نیویورک ابتلای شمار زیادی از نیروهای امنیتی به ویروس کرونا نگرانی‌های زیادی را به وجود آوردن و باعث شده که مردم سلاح‌های زیادی بخرند و بسیاری از ساکنان این ایالت از بیم کندن بودن پاسخ مثبت و واکنش نیروهای امنیتی در موارد اضطراری به خرید سلاح روی آورده‌اند.

از این رو سیاست جنایی دارند (سیگل، ۱۳۹۴، ص ۹۵) همواره از اموری است که چندان مطبوع دولت‌ها نیست. این امر به‌ویژه در دورانی که کشورها بحران‌های جدی را تجربه می‌کنند می‌تواند بر نگرانی و ناامنی روانی مردم بیفزاید؛ از این رو این امر بهانه خوبی است تا ناکارآمدی دولت‌ها - که به‌ویژه در دوران کرونا زده کنونی بیشتر نمایان شده است - را تا حدی پوشیده نگه دارد. البته نمی‌توان از سیاست‌زدگی در ارائه آمارها هم غافل بود و تقابل و جنگ سرد بلوک شرق و غرب را نیز می‌توان در این میانه، نظاره کرد.

به‌هر حال و بر پایه آنچه هر فرد به عیان در جامعه خویش می‌بیند و نیز ملاحظه برخی گزارش‌های متقن، می‌توان ادعا کرد که کرونا موجب افزایش نرخ جرم و جنایت شده است؛ هرچند این افزایش با کاهش نرخ برخی جرایم نیز همراه بوده است. به بیان دیگر ما شاهد نوعی چرخش shift در نرخ و نوع جرایم هستیم ولی نرخ جرم نه‌تنها کم نشده که افزایش نیز یافته است؛ پلیس فتا از ۹۷۳ جرم در فضای مجازی در وضعیت کرونا خبر می‌دهد البته با توجه به عدم وجود آمار قبلی دقیق نمی‌توان به ضرس قاطع از افزایش نرخ جرم در فضای مجازی سخن گفت. در فضای حقیقی آنچه به‌وضوح دیده یا گزارش می‌شود حکایت از جرایم جدید دارد؛ احتکار کالاها و اقلام اساسی بهداشتی و درمانی و سرقت این کالاها، فروش و تبلیغ داروهای غیرمجاز و آسیب‌زا، فروش کالاها و اقلام غیراستاندارد بهداشتی، احتکار کالاهای ضروری و مورد احتیاج روزانه مردم، سرقت از برخی فروشگاه‌های بزرگ (در کشورهایی چون آمریکا و انگلستان) و... و در حوزه خاص درمانی حضور فرد آلوده به ویروس کرونا در مجامع عمومی و نیز عدم اقدام به درمان و معرفی خویش به کادر درمانی و پزشکی، عدم پذیرش افراد مبتلا در مراکز درمانی (به‌ویژه برای کسانی که در سنین بالا هستند، در کشورهای منادی حقوق بشر!) تقصیر یا قصور کادر درمان، افزایش مشاجرات و خشونت‌های خانوادگی در دوران قرنطینه و... اینها بخشی از جرایم و تخلفاتی است که تاکنون گزارش شده است و البته لایه‌های پنهان و نو پدید آن را نیز باید در روزها و ماههای آتی شاهد بود. در مجموع می‌توان گفت که گزارش‌های خبری حکایت از افزایش نرخ جرم و تغییر در نوع جرم دارد. گزارش جدید اروپا از تحولات اخیر پدیده

کوئید ۱۹ بر وضعیت مجریان حکایت از افزایش قابل توجه جرایمی همچون جرایم سایبری (Cybercrimes)، کلاهبرداری (Fraud)، فروش محصولات بی کیفیت و تقلبی (Counterfit and Substandard Goods)، جرایم مالی سازمان یافته (Organised Property Crimes) دارد (Europol, 2020, pp.1-4).

۲-۱. چرایی افزایش نوع و میزان جنایت با شیوع کرونا

اهمیت بحث از چرایی جابه‌جایی یا فزونی احتمالی در نرخ و نوع جرم و جنایت در وضعیت بحران زده کرونایی از آن رو است که ضرورت تغییر یا عدم تغییر در راهبردها و استراتژی‌های مواجهه با جرایم و نیز نوع مدل سیاست جنایی وابسته به این مهم است. در هر حال، بر خلاف آنچه در آغاز تصور می‌شد بحران کرونا فزونی و یا تغییر در جرم و جنایت را در پی داشته است؛ در آغاز استدلالاتی نظیر آنچه در ادامه می‌آید برای این مهم ارائه می‌شد: در پرتو این بحران، فرصت‌های بزهکاری از بین رفته و افراد مجبور به ماندن در خانه شده‌اند و قرنطینه اجباری دست و پای بزهکاران برای حضور در مکان‌های جرم‌زا را بسته است، تعطیل اجباری فروشگاه‌ها و مراکز بزرگ تجاری نیز فرصت‌های بزهکاری را سلب کرده است، حضور پلیس در خیابان‌ها در راستای نظارت بر اجرای قرنطینه مانعی برای بزهکاران بالقوه شده است و نیز این استدلال که بروز بحران کرونا، بعد دینداری بشر را تقویت کرده و او را متوجه خدا نموده و رویت مرگ هزاران نفر و ترس از مرگ تکانشی در فطرت خدا جوی او که سالیانی است در پرتو لذت پرستی و ماده‌گرایی حاصل از تمدن مدرن و پست مدرن به خمودی رفته، ایجاد کرده و از این‌رو از جرم و جنایت فاصله گرفته است ... باوجود این علی‌الظاهر این‌گونه استدلالات با شواهد تجربی سازگار نیامده است، از این‌رو این سؤال همچنان باقی است که در وضعیت بحرانی کرونایی کنونی چرا برخی همچنان اصرار به ارتکاب جرم و جنایت دارند؟

در جرم‌شناسی دورویکرد در پاسخ دهی به پرسش چرایی جرم وجود دارد؛ رویکرد علت‌شناختی که می‌کوشد با تمرکز بر وضعیت زیستی یا روانی افراد یا توجه به عوامل اجتماعی و محیطی پاسخی برای این سؤال بیاید و رویکرد انتقادی که معمولاً بر

ساختار نا متناسب و غیر عادلانه حکومت‌ها و توازن نادرست قدرت در جامعه، مردسالاری و نیز تسلط حاکمیت و حکومت بر ابزارهای تولید و یا نظام‌های را عامل اصلی پدیده‌های مجرمانه قلمداد می‌کند و راه حل معضل جرم را دگرگونی ساختاری حکومتی می‌داند (ولد برنارد و اسنیپس، ۱۳۸۰، ص ۳۵۳). البته بر خلاف کسانی این دو جریان را در مقابل هم می‌پندارند - نگارنده بر این باور است که برغم اختلاف روشی این دو رویکرد، جرم‌شناسی انتقادی نیز نوعی جرم‌شناسی علت‌شناختی است که بر نهاد حکومت متمرکز است؛ هرچند جرم‌شناسی‌های علت‌شناختی سابق بر جرم‌شناسی انتقادی محافظه کارانه بوده و تقصیری متوجه حاکمیت نمی‌بینند. در هر حال، در تبیین علت‌شناختی جرایم در وضعیت کرونایی نه می‌توان از قصورات و تقصیرات دولت‌ها چشم پوشی کرد و نه می‌توان از عوامل فردی به خصوص طبع حریص و آزمند آدمی چشم پوشید و نه می‌توان ناکارآمدی نهادهای اجتماعی را نادیده گرفت، جرم یک پدیده چند علتی و چند عاملی است و ترکیب همه علل و عوامل زیستی - روانی و اجتماعی - به معنای عام کلمه - است که در پدید آیی آن مؤثر است، مع الوصف ضعف سیاست جنایی موجود، به ویژه از حیث پیش‌بینی فرصت‌های بزهکاری و اتخاذ راهکارهایی به ویژه غیرکیفری حائز اهمیت است. نکته مهم‌تر در این میان این است که ممکن است چنین وضعیتی موجب چرخش سیاست جنایی به سمت مدل‌های اقتدارگرایی شود که حقوق انسانی که سالهای متمادی بشر برای تحقق - هرچند ناچیز آنها - خون دل خورد است را به راحتی به کنار گذارد.

۲. تأثیر بحران کرونا بر سیاست جنایی

سیاست جنایی دانش نوپدیدی است که کمتر از یک سده از پیدایش آن می‌گذرد و ناظر به استراتژی‌ها، راهبردها و سازوکارهایی است که در یک جامعه توسط دولت یا زیر نظر دولت برای مواجهه مؤثر با جرم و انحراف اتخاذ و اجرا می‌شود. این اصطلاح که عموماً به کتاب استاد آلمانی فوترباخ در سال ۱۸۰۳ منتسب می‌شود، مدت‌ها مترادف با «جنبه‌های نظری و عملی نظام کیفری بود. بر اساس برداشت فوترباخ شامل مجموعه شیوه‌های سرکوبگری می‌شد که دولت از طریق پیش‌بینی و به کار بستن آنها علیه بزه

واکنش نشان می‌داد (مارتی میری، ۱۳۹۳، ص ۶۹).

البته این اصطلاح امروزه در معنای موسع‌تری به کار می‌رود و ناظر «به مجموعه روش‌هایی است که هیأت اجتماع با توسل و کاربست آنها پاسخ‌های مختلف به پدیده جنایی را سازمان می‌بخشد. بدین ترتیب سیاست جنایی با «جنبه‌های نظری و عملی اشکال مختلف کنترل اجتماعی» بزه و انحراف مترادف به‌نظر می‌رسد (همان).^۱ در این معنای موسع سیاست جنایی، افزون بر واکنش‌ها و تدابیر کیفری در پاسخ‌دهی به جرم، پاسخ‌های پیشینی که دارای ماهیتی پیشگیرانه و غیرکیفری هستند را نیز دربرمی‌گیرد البته باید توجه داشت که سیاست جنایی به اعتبار ماهیت سیاست، بحث از خط مشی و استراتژی‌ها و راهبردهای کلان است که خود شامل سیاست کیفری و سیاست‌های پیشگیری می‌شود؛ سیاست‌های کیفری عمدتاً در حقوق کیفری تبلور می‌یابد، و منطق عملکرد دستگاه‌های کیفری به حساب می‌آید، روشن است که این سیاست‌ها بمانند دیگر سیاست‌های اقتصادی اجتماعی برخاسته از یافته‌های علمی و تجربی بشر و در عین حال ایدئولوژی‌ها و فرهنگ‌ها و وضعیت غالب هر جامعه است. طبیعتاً تغییرات و تحولات جوامع خود موجب تغییر و تحول در سیاست گذاری‌ها نیز می‌گردد؛^۲ این نکته را نیز نمی‌توان ناگفته گذاشت که بخشی از تغییرات و تحولات اجتماعی نیز خود معلول سیاست گذاری‌ها و در نتیجه استراتژی‌ها و راهبردهای حاکم بر جوامع است.

ادعای این نوشتار بر این است که بحران کرونا، بحران در سیاست جنایی را در پی داشته و دارد موضوعی که در ادامه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. خانم کریستین لازرژ نیز در تعریف سیاست جنایی آن را «یک استراتژی حقوقی و اجتماعی مبتنی بر مبانی برگزیده ایدئولوژیک با هدف پاسخ‌دهی واقع‌گرایانه به مسائل و مقتضیات پیشگیری و سرکوبی پدیده مجرمانه به‌معنای وسیع کلمه» می‌داند (حسینی، ۱۳۹۳، ص ۲۷).
۲. چراکه سیاست «انتخاب» روش‌هاست و این خود، متأثر از عوامل مختلفی همچون اوضاع و احوال فرهنگی، سیاسی و خصوصاً مبانی و اصول ایدئولوژیک است (همان، ص ۲۹).

۱-۲. کرونا و بحران‌زدگی در سیاست جنایی

این مسئله که بحران کوید ۱۹ تا چه حد موجب بحران در سیاست جنایی شده است یا خواهد شد در درجه نخست نیازمند فهم معنای بحران در سیاست جنایی و در ادامه ابعاد این بحران است.

واژه بحران از واژگانی است که امروزه به صورت گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد بحران غذا، بحران آب، بحران‌های اقتصادی، بحران بیکاری و... در واقع، به محض اینکه یک نهاد اجتماعی با مشکلات کاری و عملی روبرو می‌شود - حتی اگر این مشکلات سبک و گذرا باشند - از این واژه برای توصیف چنین وضعیتی بهره گرفته می‌شود. به قول ریموندگسن امروزه از اعتبار و ارزش واقعی بحران کاسته شده است (گسن، ۱۳۷۱، ص ۲۸۳) با وجود این توجه به دیدگاه «ادگار مورن» (Edgard Morin) جامعه‌شناسی فرانسوی در این خصوص حائز اهمیت است. از نظر وی یک بحران عمدتاً با چهار خصیصه مشخص می‌گردد:

۱. یک یا چند اختلال که موجب می‌شود نظام (سیستم دیگر قادر به ارائه راه حل برای مسائلی که تا پیش از این به حل آنها قادر بوده است، نباشد)؛
۲. افزایش بی‌نظمی و نوسازها که نظام دیگر موفق به مهار آنها نیست؛
۳. سخت‌شدن نظام که دیگر موفق به انطباق خود یا تحرکات پیرامون خود نمی‌گردد؛
۴. و بالاخره آغاز فعالیت‌های پژوهشی به منظور یافتن راه حل‌هایی برای خروج از بحران (همان، ص ۲۸۴).

حال باید دید که آیا بحران کرونا موجب بحران در سیاست جنایی کشورها شده است. پیش از هر چیز توجه به دونکته ضروری است نخست این که از زمان صنعتی شدن به این سو بروز بحران در جوامع نسبت به گذشته پدیده‌ای متداول است و امری غریب و عجیب نیست بلکه یک پدیده اجتماعی است که اندیشمندان را به تفکر پیرامون خود وا داشته و راهکارهایی را برای دولتمردان پیشنهاد می‌کند، دوم این که هنوز پدیده کرونا همه آثار و تبعات خود را بروز نداده است و در آینده نزدیکی شاهد بروز نشانه‌های بیشتر از این پدیده - که علی‌الظاهر قرار است از این به بعد همراه بشر باشد - خواهیم بود و از این رو ماهیت دقیق‌تر این بحران در آینده بیشتر نمایان خواهد

شد.

در سرفصل نخست گفته شد که بحران کرونا، وضعیت جنایی جوامع را دستخوش تحول نموده است که نمونه بارز آن پدید آیی جرایم و انحرافات نو پدید متاثر از اوضاع و احوال کرونایی است؛ امری که به‌ویژه با تعطیلی مراکز کسب و کار و مشاغل هر روز بر ابعاد آن افزوده می‌شود، حتی برخی از تأثیر بحران کرونا بر تحکیم نابرابرهای آموزشی (کشاورز، ۱۳۹۹، ص ۱۹-۲۰) و نیز افزونی گسست‌ها و شکاف‌های طبقاتی (حسین زاده خرمی، ۱۳۹۹، ص ۹۸-۹۹) می‌گویند. اینها خود بدون تردید افزایش نرخ جرم و جنایت ناامنی را در پی خواهد داشت.

نکته بسیار مهم در خصوص این بحران این است که این بحران، از نوع بحران ناشی از پویایی و توسعه یافتگی و پیشرفت نیست، بلکه بحرانی ناشی از ضعف بشریت است. توضیح اینکه همچنان که گسن یادآوری می‌کند، بحران شناسان، بحران‌ها را به دو دسته بحران‌های ناشی از رشد و توسعه و بحران‌های ناشی از زوال وافول تقسیم می‌کنند؛ در این دومی، پدیده‌ای مخمل وجود دارد؛ «زمانی با بحرانی ترقی روبرو هستیم که بحران در جهت استحکام انسجام یا کارآیی همه جانبه نظام بحران زده متمایل باشد و بحران افول زمانی است که پدیده یک پدیده انفجار، از هم گسیختگی، تلاشی یا فرو پاشی باشد» (همان، ص ۲۸۷) بحران سیاست جنایی در وضعیت کرونایی، بحران ناشی از رشد و توسعه جوامع نیست، بلکه بحران ناشی از پدیده‌ای مخرب و کشنده است که همه جوامع و همه آحاد انسان‌ها را هدف قرار داده و به صغیر و کبیر رحم نمی‌کند و اقتصاد و سیاست، مناسبات و مراسم مذهبی و روند آموزشی و... را به تعطیلی کشانده و دست‌کم یک ناامنی روانی را پدید آورده است؛ ازاین‌رو. شناسایی ابعاد و جلوه‌های بحران سیاست جنایی در وضعیت کرونایی برای شناخت دقیق ماهیت این بحران ضرورت دارد.

۲-۲. جلوه‌های بحران سیاست جنایی در شرایط کرونایی

گفته شد که سیاست جنایی در حقیقت مجموعه استراتژی‌ها و راهبردهایی است که در یک جامعه توسط دولت یا زیر نظر دولت در پاسخ دهی پیشینی یا پسینی به جرم و

انحراف اتخاذ و اجرا می‌شود؛ این راهبردها را می‌توان از منظرهای گوناگون تقسیم کرد ولی معمولاً این راهبردها را به راهبردهای پیشگیرانه و سرکوبگرانه (فتحی بهنسی، ۱۴۰۳، ص ۳) و به تعبیر دیگر غیرکیفری و کیفری تقسیم می‌کنند. راهبردها و تدابیر کیفری که از آن به سیاست کیفری تعبیر می‌شود خود مجموعه‌ای از استراتژی‌ها اعم از جرم‌انگاری، کیفر دهی، اصلاح و درمان، زندان‌گرایی، و یا حبس زدایی و روی آوردن به جایگزین‌های زندان و.... را دربرمی‌گیرد. راهبردهای پیشینی نیز که از آنها در قالب سیاست‌های پیشگیری یاد می‌شود بر حسب ماهیت تدابیر پیشگیرانه به راهبردهای پیشگیری اجتماعی یا جامعه‌مدار و راهبردهای پیشگیری وضعی یا موقعیتی تقسیم می‌شود. مسئله مهم این است که این راهبردها بر حسب مدلی که سیاست جنایی بر آن استقرار یافته است متفاوت است. خانم میری دلماس مارتی در یک روش ابتکاری و البته با مطالعه سیاست جنایی جوامع مختلف، بر حسب اینکه ارزش محوری در یک جامعه، آزادی یا حفظ قدرت یا تساوی و برابری باشد، مدل‌های سیاست جنایی را به مدل دولت جامعه لیبرال، مدل اقتداگرا و مدل دولت جامعه مساوات‌گرا تقسیم می‌کند البته او از مدل‌های فرعی‌تری نیز سخن می‌گوید که بیشتر آنها فقط در ظرف ذهن تحقق دارند و تحقق خارجی ندارند (ر.ک: دلماس مارتی، ۱۳۸۱).

البته چنین نیست که در یک جامعه معین همواره با یک مدل روبرو باشیم بلکه شرایط و احوال اجتماعی و از جمله بحران‌ها می‌توانند باعث تغییر از یک مدل به مدل دیگر، و دست‌کم نسبت به برخی از جرایم و مجرمان شود. مطالعه وضعیت چند ماه گذشته جوامع و آنچه در عرصه سایت‌ها و رسانه‌ها بروز و ظهور یافته است، نمودهای بحران در سیاست کیفری و سیاست پیشگیری کشورهای مختلف را آشکار می‌سازد؛ البته طبیعی است بر حسب شرایط و امکانات و نیز سبک مدیریتی حاکم بر جوامع، این جلوه‌ها و نمودها بروز و ظهور یکسانی ندارد؛ ولی به‌طور قطع می‌توان ادعا کرد که همه کشورهای درگیر کرونا در سیاست جنایی خود بحران را تجربه کرده‌اند.

از جمله این نمودها، خلأء تقنینی کیفری در مواجهه با جرایم حاصل از شرایط

کروناپی است؛ این خلأ به صورت تام یا ناقص است؛ خلأ تام در مورد رفتارهایی (اعم از فعل یا ترک فعل) است که اساساً قانونی در مورد آن وجود ندارد، و خلأ ناقص، ناظر به آن دسته از رفتارهایی است که پاسخ‌های کیفری موجود در شرایط فعلی، نامناسب و یا غیرممکن بوده است یعنی یا بازدارندگی لازم را نداشته یا در اجرا مشکل دارد.

از دیگر نمودها، تأثیر کرونا بر دستگاه قضایی است؛ افزون بر تعطیلی دستگاه قضایی - همانند تعطیلی دیگر مشاغل که خود سازکار رسیدگی‌های کیفری و غیرکیفری را برای مدتی به تعویق انداخت و از این رو فرصت‌های مغتنمی برای بزهکاران خلق کرد، آزاد سازی حجم عظیمی از زندانیان از ترس کرونازدگی در زندان هرچند خود یک پاسخ سیاست کیفری در وضعیت کروناپی بود، اما هرگز نمی‌توان از مخاطرات این پاسخ چشم پوشید؛ در واقع این پاسخ به معنای اعلام عدم امکان استفاده از چنین پاسخی و در حقیقت عدم کارایی آن در شرایط جدید بود؛ خاصه که برخی زندانیان نیز فرصت را مغتنم شمرده و دست به شورش‌هایی زدند؛ در هر حال چنین پاسخی، فرصت آفرینی بیشتر برای بزهکاران بالقوه و بالفعل بود؛ روشن است که دیگر پاسخ‌های کیفری همچون جزای نقدی نیز در چنین شرایطی قابل استفاده نبود؛ در جایی که دولت، بانک‌ها را ملزم به تعویق الزام به باز پرداخت بدهی‌های مشتریان خود می‌کرد، چگونه می‌توان از منصفانه بودن چنین پاسخ‌هایی در شرایط کروناپی به‌ویژه برای جرایمی که سود آوری مالی برای بزهکاران نداشته است سخن گفت. تعطیلی مراکز کسب و کار و تحصیل و نیز مراکز درمانی، اسکان استفاده از بسیاری جایگزین‌های زندان را نیز مختل نمود. بنابراین، دستگاه قضایی عملاً زرادخانه خود را از دست داده، مگر اینکه به سمت پاسخ‌هایی روی آورد که سالها به دلایل حقوق بشری و انسانی، استفاده از آن شدیداً نهی می‌شود؛ راستی می‌توان از مجازات سالب حیات و در چنین شرایطی آن هم به گستردگی جرائم ناشی از کرونا بهره برد؟

طبیعی است که پاسخ‌های اصلاحی و درمانی هم به لحاظ هزینه‌های، فراوان و هم به لحاظ شرایط قرنطینه‌ای و هم به لحاظ بسیج امکانات درمانی برای بیماران کروناپی امکان کاربست در شرایط فعلی را ندارند.

از دیگر نمونه‌های بحران سیاست جنایی که در کشورهای اسلامی به‌ویژه ظهور یافته است مباحث ناظر به تعطیلی و مساجد و مراکز و مراسم مذهبی و نیز نوع تشریفات و مواجهه‌ای است که با جان باختگان کرونایی توصیه شده است. توضیح اینکه همچنان‌که پیش از این نیز گفته شد سیاست و ازجمله سیاست جنایی دنیای انتخاب روش هاست که این خود بر اساس مبانی ایدئولوژیک است؛ در بحران کرونا، از سویی بر اساس پروتکل‌های بهداشتی، بسته‌شدن و تعطیلی همه تجمعات ازجمله تجمعات مذهبی و نیز ضد عفونی کردن اجساد و دفن آنها بامواد ضد عفونی کننده، توصیه می‌شود، براین اساس در کشور ما در آغاز، فوت شدگان نه غسل داده می‌شدند و نه کفن می‌گشتند، بلکه به‌گونه‌ای غریبانه و دور از چشم نزدیکان و یا حداکثر با حضور فاصله دار معدودی از آنها دفن می‌شدند؛ تا اینکه با اصرار جمعی از مومنان و استفتائاتی که شد این وضعیت کنار گذاشته شد؛ در مورد تعطیلی مساجد و مراکز مذهبی هم از همان آغاز تا کنون مخالفت‌هایی از سوی برخی افراد صورت گرفته است و چنین تصمیمات و انتخاب‌هایی را مغایر با آموزه‌های شرعی می‌دانند. طبیعی است حتی در مورد نوع مواجهه با فوت شدگان این ویروس نیز جای طرح مباحث کنونی همچون توهین به مرده مسلمان وجود داشت و دارد؛ و حکومت اسلامی موظف است تا مشروعیت اینگونه روش‌ها پروتکل‌ها را پیش از این بررسی می‌کرد و آنگاه چنین انتخاب‌هایی را به اجرا می‌گذاشت.

حتی با چشم پوشی از این امور، در درستی برخی اقدامات و تدابیر پیشگیرانه از منظر آموزه‌های حقوقی و دینی جای تأملات جدی وجود دارد؛ آیا می‌توان ضرب و شتم افرادی را که بدون ماسک در مجامع عمومی حضور پیدا می‌کنند پذیرفت؟ گرفتن شلینگ آب فشار قوی بروی آنان، یا الزام به معرفی خود و بستری‌شدن در جمع بیمارانی بسیار خطرناک را چه طور؟ فراموش نمی‌کنیم که در روزهای آغازین، می‌گفتند هر کس بتواند خود را از بیمارستان دور کند و در خانه درمان خویش را مشغول شود، حیات خودش را تضمین کرده است.

مهم‌تر از همه ابعاد پیش گفته این که بحران کرونا زمینه را برای وضعیتی بسیار خطرناک فراهم کرده است وضعیتی که در آن بسیاری از حقوق و آزادی‌های فردی

تحت الشعاع قرار می‌گیرد که از آن به «اقتدارگرایی» تعبیر می‌شود.

۳-۲. بحران کرونا و چرخش به سمت مدل اقتدارگرایی سیاست جنایی

روند عادی در سیاست جنایی این است که وقتی جامعه از وضعیت امن به ناامنی می‌رسد، معمولاً شاهد تغییر مدل سیاست جنایی آنهم معمولاً چرخش به سمت مدل‌های اقتدارگرا و به‌ویژه اقتدارگرایی تام هستیم. مطالعه گذشته جوامع بشری نشانگر این است که با بروز بحرانها اعم از بحران‌ها با منشاء انسانی طبیعی همچون سیل و زلزله که به تبع آن فرصت‌های فراوانی فرا روی بزهکاران - اعم از بالقوه یا بالفعل - قرار می‌گیرد مدل اقتدارگرایی سیاست جنایی رخ می‌نماید. چنین است که از جمله دغدغه‌های پژوهشگران علوم اجتماعی این است که چه باید کرد که مقابله با کرونا به مشروعیت‌بخشی اقتدارگرایی منجر نشود (کشاورز، ۱۳۹۹، ص ۱۷) به‌ویژه اینکه الگوی موفق که مطرح می‌شود کشوری است که خاستگاه ویروس کروناست؛ چین در آغاز شهر وهان با یازده میلیون جمعیت را قرنطینه کرد، قرنطینه‌ای که به استان هوئی با ۵۷ میلیون جمعیت کشیده شد، گزارش کورث با عنوان ویروس کرونا: درمان‌هایی بدتر از بیماری در ۲۹ فوریه ۲۰۲۰ نشان‌گر استفاده چین از قوی‌ترین ابزارهای کنترلی خویش است؛ پهباد برای شناسایی کسانی که بدون ماسک این طرف و آن طرف می‌روند؛ استفاده از سیستم ویدیویی ملی به نام «اسکای نت» که برای شناسایی کسانی که از قرنطینه فرار می‌کردند؛ استفاده از کدهای رنگی در اپلیکیشن‌های پرداختی که مردم را بر اساس امکان شیوع طبقه بندی می‌کند (همان، ص ۱۷-۱۸) جالب این است که در اینجا عوام گرایی کیفی نیز تقویت کننده رویکرد اقتدارگراست؛ راستی عرف جامعه با افرادی که در چنین وضعیتی چشم طمع و مال اندوزی و کلاهبرداری و احتکار و ذخیره سازی مواد دارویی و بهداشتی و غذایی دارند، جز برخوردی سخت و شدید را می‌پسندد؟!

برخی بر این باورند که «در حالی که بسیاری از مردم متعهدند با این بحران بجنگند و به قربانیان کمک کنند، هنوز هستند مجرمانی که سریعاً در صدد قاپیدن فرصت‌های پدیدار شده از بحران هستند؛ این امری غیرقابل قبول است چراکه اینگونه فعالیت‌ها

به‌ویژه در طول دوران بحران بهداشت عمومی، خطر آفرین است و می‌تواند خطرات واقعی برای زندگی انسان‌ها به دنبال داشته باشد؛ از این رو بیش از هر زمان دیگر جنگ با جرم اهمیت دارد» (Europol, 2020, p.4). مجرمانی که در این فضا فعالیت می‌کنند، مجرمانی غیرقابل ترحم جلوه می‌کنند؛ کسانی که می‌کوشند تا یا از ترس و اضطراب مردم از بحران کرونا سود ببرند؛ یا به‌نوعی بر ترس و اضطراب آنها بیفزایند و دولت را ناکارآمد جلوه دهند و یا این بزهکاران بزهکارانی هستند که سوار بر موج اضطراب و احساسات و عواطف مردم، در صدد دستیابی به آمال و اهداف خویش هستند؛ راستی می‌شود از سر تساهل و تسامح با چنین مجرمانی سخن گفت؟ و همچنان از حقوق بزهکاران و صیانت از آزادی انسان‌ها دم زد؟ یا باید با قدرت و اقتدار کافی با آنها برخورد کرد و برای مدتی محدود هم که شده ست برای حفظ جان انسان‌ها (حق بر حیات) از برخی ارزش‌ها (همانند حق بر آزادی و حق بر متفاوت بودن) عدول کرد؟ توجه به مسائل مهم در زمانی که گرایش و رویکرد سیاست جنایی کشورها به سمت امنیت مداری و اقتدارگرایی است، حائز اهمیت است «امروزه به دنبال نقض گسترده امنیت و آرامش روانی شهروندان در پی گسترش مقوله ارتکاب جرم، اهداف سیاست جنایی از مجرم مداری به سمت جرم محوری تغییر مسیر داده است و تضمین امنیت به دغدغه اصلی سیاست جنایی بدل گردیده ... سیاست جنایی امنیت گرا، با فرض دشمن دانستن بزهکاران به‌نوعی حقوق کیفری دشمن مدار همت گمارده است» (قناد و اکبری، ۱۳۹۶، ص ۳۹) راستی می‌توان از مماشات با کسانی سخن گفت که با بهره‌گیری از وضعیت کرونایی، کوشیده‌اند از ترس و اضطراب مردم از این بحران بهره ببرند و به روش‌های گوناگون کلاهبرداری، فروش محصولات تقلبی یا بی‌کیفیت یا دارای کیفیت پایین، احتکار، سرقت ارزاق عمومی، در صدد پر کردن جیب خویش باشند؟ یا اینکه باید همراه با برخی نویسندگان دیگر، از جنگ با چنین مجرمانی سخن بگوییم؟ روشن است که خواست و گرایش عموم جامعه مقابله جدی و سخت با این پدیده هاست و به بیان دیگر عوام گرایي در سیاست جنایی اقتضای رویکرد گرایي را دارد؛ سیاست جنایی عوام گرا که به‌طور ویژه بیشتر در بخش سیاست کیفری نمودار می‌شود معمولاً سخت گیرانه، عامه پسند، نمایشی و احساسی و فاقد

مبنای نظری و علمی است و در تلاش است تا با توسل به تدابیر کیفری شدید، با پدیده‌های مجرمانه در کوتاه‌ترین زمان ممکن مقابله نماید (مقدسی و فرجیها، ۱۳۹۲، ص ۱۳۷) به نظر می‌رسد زمینه و بستر برای پذیرش مدل سیاست جنایی اقتدار گرا فراهم شده است. اما بررسی بیشتر جوانب موضوع نشان می‌دهد که مسئله به این راحتی نیست و چرخش به سمت مدل اقتدارگرا نیز با چالش‌های جدی مواجه است.

۴_۲. چالش‌های مدل اقتدارگرای سیاست جنایی در شرایط کرونایی

مطالعه ابعاد تأثیرات پدیده کرونا نشان می‌دهد که کرونا حتی بخش کیفری و سرکوبگرانه سیاست جنایی را با چالش‌های جدی مواجه کرده است؛ افزون بر این که در بیشتر کشورهای خلاءهای قانونی فراوانی برای مواجهه با این پدیده وجود دارد و آنها را به سمت جرم‌انگاری برخی رفتارها کشانده است - از آنجا که هسته اصلی پاسخ‌های کیفری به جرم در بیشتر کشورها «حبس» است، کرونا پدیده‌ای است که حتی زندانها را هم تحت الشعاع قرار داده به گونه‌ای که بیشتر کشورها برای صیانت از جان انسان‌ها و از جمله زندانی‌ها اولاً ورودی‌های جدید به زندان را کاهش داد و ثانیاً به آزادسازی یا اعطای مرخصی‌های طولانی مدت به زندانیان روی آورده‌اند جالب اینکه در وضعیت کنونی حتی از جایگزین‌های زندان هم نمی‌توان بهره برد چراکه بسیاری از مراکز شغلی و تحصیلی تعطیل شده است؛ بنابراین حبس‌گرایی به عنوان یک راهبرد و ابزار برای مدل سیاست جنایی اقتدارگرا با چالش جدی مواجه است مگر این که بخواهیم از سلامت زندانیان به‌ویژه کسانی که مرتکب جرایم مرتبط با پدیده کرونا می‌شوند صرف نظر کنیم - که این هم با موازین حقوق بشری حاکم بر جامعه جهانی چندان سازگار ندارد، همچنان که استفاده از پاسخ‌های سالب حیات با منطبق حقوق بشری دنیای کنونی قابل فهم نیست؛ باقی می‌ماند پاسخ جزای نقدی که این هم گرچه می‌تواند پاسخ مناسب‌تری باشد ولی با توجه به تعطیلی مشاغل و بیکاری‌ها منصفانه نیست. البته عوام‌گرایی کیفری همچنان بر طبل جنگ و استفاده از پاسخ‌های بسیار سخت کیفری می‌کوبد.

حتی سیاست‌های پیشگیری نیز در چنین شرایطی دچار چالش‌های جدی شده است چه از سویی حضور گسترده نیروهای پلیس و ارتش در خیابان‌ها در جهت ایجاد قرنطینه آنها را از دیگر مأموریت‌های خطیرشان باز داشته است درست به همین دلیل است که در برخی کشورها مانند امریکاتمایل شخصی مردم به خرید سلاح افزایش یافته است. استفاده از ماشین‌های آب پاش فشار قوی و گرفتن فراریان با توری و شلیک به سمت آنها و... ترغیب یا اجبار به قرنطینه خانگی هم هرچند در کاهش میزان ابتلا به کرونا تأثیر داشته است. اما با خود خشونت‌های خانگی و جرایم اعضای خانواده علیه یکدیگر را به دنبال داشته است.

۳. راهکارهای برون‌رفت از بحران سیاست جنایی در وضعیت حاضر

برای رهایی از چالش‌هایی که برخی از آنها در بحث پیشین اشاره شد، می‌توان راهکارهایی ارائه کرد که در ادامه ذیل گفتارهایی به اهم آنها اشاره می‌شود.

۳-۱. ضرورت تقویت سیاست جنایی مشارکتی

در آغاز گفته شد که کرونا پدیده‌ای همه گیر است؛ به تعبیر یکی از نویسندگان اپیدمی کرونا به شکل امپریالیستی دموکرات است و با قدرت قاهره خود همه طبقات اجتماعی و همه مناطق اعم از شرق و غرب و شمال و جنوب را درگیر خویش ساخته است؛ قطعاً مواجهه با این پدیده نیز نیازمند مشارکت همگانی است و هر گونه خلأیی از این سو، فرصت‌هایی برای تقویت اثر بخشی پدیده کرونا و کسانی است که به دنبال استفاده از فرصت‌های کرونایی برای دنبال کردن مقاصد بزهکارانه خویش هستند. بنابراین چاره‌ای جز مشارکت آحاد اجتماعی در مواجهه با فرصت‌های بزهکارانه ناشی از شرایط کرونایی نیست؛ عملکرد دولت‌ها نیز نشان داده است که به تنهایی قادر به ساماندهی این پدیده نیستند.

ضرورت اتخاذ سیاست جنایی مشارکتی نه تنها در بعد ملی که از بُعد منطقه‌ای و بین‌المللی نیز حائز اهمیت است. ادگان مور، جامعه شناس فرانسوی در نوشته کوتاه خود

با عنوان «آنچه ویروس کرونا به ما می‌گوید» یاد آور شده است که ما ساکنان کره زمین بسیار به هم وابسته ایم و پاسخ به این بحران جز از راه همستگی جهانی ممکن نیست (کشاورز، ۱۳۹۱، ص ۱۳-۱۴). پاسخ‌دهی به این بحران فقط در راستای کمک به بیماران و یا پیشگیری از ابتلا به این ویروس نباید باشد؛ پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این بحران بسیار گسترده خواهد بود و با وجود وسایل ارتباط جمعی امروزین، مرزهای کشورها را در خواهد نورد؛ از این رو مشارکت جامعه بین‌المللی حتی در رویارویی با آسیب‌های اجتماعی و از جمله جرایم ناشی از این بحران ضروری است؛ باید توجه داشته باشیم که ما انسان‌های روی کره زمین به فرمایش پیامبر اکرم ساکنان یک کشتی در حال حرکت روی اقیانوس موج و فانی هستیم و حرکت و رفتارهای هر یک از ما می‌تواند کل ساکنان را متأثر سازد؛ ارتکاب جرایم در واقع سوراخ نمودن این کشتی است که همه ساکنان آن را می‌تواند غرق سازد بنابراین مشارکت هر چه وسیع‌تر و فعالانه‌تر ارکان جامعه مدنی و نهادهای غیررسمی و غیردولتی در پاسخ‌های کنشی و واکنشی به جرایم و انحرافات و تخلفاتی حاصل از وضعیت کرونایی، می‌تواند در تحقق هر چه بیشتر هدف سیاست جنایی مؤثر باشد؛ چراکه هدف این مدل از سیاست جنایی عبارت است از تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه پیشگیری و پاسخ‌دهی و بازپذیری اجتماعی بزهکاران، که با مشارکت مردم تحقق می‌یابد (جمشیدی، ۱۳۹۰، ص ۲۴)؛ مشارکت جامعه مدنی، به‌ویژه مردم در فرایند پاسخ‌دهی به جرم، افزون بر نمایش کارآیی مردم، خود مفهوم این معناست که امنیت جز با مشارکت جامعه حاصل نمی‌آید (شیعه‌علی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۹۲). تجربه کشورما در این ایام، حقیقتاً می‌تواند به عنوان الگوی ویژه‌ای به جامعه بشری عرضه شود؛ البته این نکته قابل ذکر است که مشارکت جامعه مدنی در ایران در وضعیت کرونایی، بیشتر در قالب پاسخ‌های کنشی پیشگیرانه از جرم نمود یافته است؛ مشارکت مردم در همراهی با قرنطینه - البته با تفاوت‌های معناداری که بعضی استان‌های درگیر کرونا وجود داشت - تأمین نیازهای خانوارهایی که مشاغل خویش را از دست داده بودند و دچار بیکاری عارضی شده بودند مشارکت در تولید و تأمین هر چه بیشتر اقلام و مواد بهداشتی جهت خنثی سازی

پیامدهای احتکار این اقلام و... از جمله جلوه‌های این مشارکت است؛ حضور روحانیون جهادی در بیمارستان‌ها و نیز بر عهده گرفتن امر تغسیل و تکفین فوت شدگان کرونایی که خود آرامش روانی لازم را برای خانواده‌های داغ‌دیده فراهم می‌ساخت که در پرتو این مهم آسیب‌های روانی خانواده‌ها کاهش یافته و زمینه بروز رفتارهای ناهنجار را کاهش می‌دهد نباید از یاد برد. این تجلیات بسیار اندیشمند و زیبا، نباید مسوولان را از برنامه ریزی برای مشارکت جامعه مدنی در بخش پاسخ‌های پسینی، غافل سازد؛ امری که نیازمند مطالعه جدی و طراحی روش‌ها و اتخاذ تدابیر نوین است.

۲-۳. بازسازی نظام عدالت کیفری

پیش از این به درماندگی نظام عدالت کیفری هم از حیث سخت افزاری و هم از حیث نرم افزاری در مواجهه با پیامدهای این حبران اشاره کردیم؛ خلأهای تقنینی و پاسخ‌های نامناسب در فرض وجود قوانین لازم، کاستی‌های نرم افزاری نظام عدالت کیفری را نشان می‌دهد؛ طبعاً عجله در قانونگذاری و یا وضع مجازات‌های شدید، نیز اعطای اختیارات بیشتر به قضات و یا پلیس هرچند ممکن است در کوتاه مدت، نرخ جرم را پایین آورد، اما ضرورتاً کار آمدی سیاست جنایی را رقم نمی‌زند؛ ما تجربه چنین اموری را پیش از این و در مواجهه با دیگر حبران‌ها و آسیب‌ها و معضلات اجتماعی داشته ایم؛ تجربه نحوه رسیدگی به جرایم مواد مخدر و نیز وضع مجازات‌های بسیار شدید به‌ویژه در کشور ما نشان می‌دهد که این پاسخ‌ها کارآمدی لازم را ندارند. از این رو ارجاع دادن به عناوین همچون محاربه و افساد فی الارض و یا حتی وضع مجازات‌های بسیار سخت همچون اعدام، نتیجه‌ای جز شکست سیاست کیفری نخواهد داشت.

استفاده از فضای مجازی برای رسیدگی (دادگاه‌های مجازی و...) نیز نه تنها تجربه نشده است که هنوز سازوکارهای قانونی آن مشخص نشده است و اتاق فکر قضایی ما چالش‌ها و مشکلات و مسائل و این نحوه رسیدگی را نمی‌داند و فقه قضایی ما نیز هنوز از این منظر ورودی نداشته است.

روشن است که نمی‌توان همانند تعطیلی دانشگاه‌ها و مدارس و مشاغل از تعطیلی دستگاه عدالت کیفری سخن گفت؛ چه این سخن به معنای ایجاد فرصت‌های نوین برای بزهکاران است، اما از سوی دیگر عدالت کیفری مجازی نیز نیازمند تنظیم ساز و کارها و شرایط و آموزش‌های ویژه‌ای است سازو کارایی که تأمین‌کننده حداکثری حقوق شهروندان (اعم از شکایت و متهمان) باشد و در عین حال اصول حقوق کیفری اعم از شکلی و ماهوی به شکل حداکثری رعایت شود؛ از این رو هرچند باید به انتظارات مردم توجه داشت و کوشید تا ضمن کاهش هراس آنها از پیامدها و آثار زیانبار و مجرمانه ناشی از بحران کرونا، حس عدالت‌طلبی را به جای انتقام‌جویی در آنها زنده نگاه داشت، از فرو افتادن به عوام‌گرایی‌های کیفری که مستلزم نقض اصول حقوقی و ارزش‌های انسانی است دور ماند. سیاست جنایی، همواره در معرض تعارض دوگانه‌هایی اینچنین است؛ کارآمدی و ارزشمداری؛ حقوقدانان و جرم‌شناسان بر این نکته اذعان دارد که در مقابله با جرم دو گونه پاسخ وجود دارد، پاسخ‌های خوب و پاسخ‌های کارآمد و البته یافتن پاسخ‌هایی هر دو بُعد را با یکدیگر داشته باشند که کار راحتی نیست.^۱

۳-۳. ضرورت اتخاذ رویکرد علمی در سیاست‌گذاری جنایی در عین اهتمام به رعایت اصول دینی

هرچند سیاست جنایی - همچنان‌که گفته شد - از آبشخورهای گوناگون معرفتی و فرهنگی و اجتماعی و... تغذیه می‌شود با وجود این برای کشورهایی همچون کشور ما دو مقوله علم و دین در میان این منابع جایگاه ویژه‌ای دارند. این امر اقتضا می‌کند همچنان‌که نهادهای ویژه‌ای جهت بررسی انطباق و یا عدم مغایرت سیاست‌ها و قوانین و مقررات موضوعه با شرع وجود داشته باشند لازم است - که البته از نظر نگارنده کافی

۱. جان هاگان معتقد است که دو سؤال عمده در پاسخگویی به جرم وجود دارد و این دو سؤال کاملاً از یکدیگر متفاوتند: سؤال نخست این است که چگونه می‌توان به جرم پاسخ داد؟ و سؤال دوم این است که چه پاسخ‌هایی به جرم شایسته‌تر است؟ سؤال نخست سؤالی تجربی و سؤال دوم سؤالی اخلاقی است (Hagan, 1986, p.288).

نیست و نیازمند استخراج سیاست‌های دینی از منابع اسلامی می‌باشیم و این خود مستلزم کار فقهی و علمی دقیق است - ضروری است تحقیقات علمی عمیقی پشتوانه سیاست‌های جنایی قرار گیرد: «جایگاه رفیع مطالعات تجربی در دوران معاصر استناد به نتایج پیمایش‌های میدانی را مبدل به یکی از مهمترین ابزارهای سیاستگذاران در جهت وضع و اجرای تدابیر پاسخ‌دهی جنایی نموده است. طرح شواهد تجربی و داده‌های آماری علاوه بر مرتفع نمودن موانع تصویب برنامه‌های پاسخ‌دهی پیشنهادی با متقاعد نمودن افکار عمومی جامعه در مطلوبیت نهایی راهکار ارائه شده بستر مناسبی را نیز در جهت اجرای مؤثر آن فراهم می‌آورد» (ایرو انیان، ۱۳۹۵، ص ۱۲۰۰)؛ براین اساس رصد دقیقی از تحولات اجتماعی در دوران همه‌گیری کرونا و قرارگرفتن نتایج این تحقیقات دست‌کم در دسترس سطوح نخبگانی جامعه حداقل کاری است که باید صورت گیرد ...

نتیجه

پدیده فراگیر کرونا نه تنها هستی انسان بلکه زندگی اجتماعی او را دستخوش تغییرات جدی قرار داده است. هرچند گزارش‌های رسمی و جامعی از تأثیر دقیق این پدیده بر نرخ و نوع جرایم در دست نیست اما اگر نتوان گفت که نرخ جرایم فزونی داشته است ولی دست‌کم نوعی جابه‌جایی در گونه‌های جرم را موجب شده است. در هر حال به نظر می‌رسد نوعی بحران در سیاست جنایی کشورها پدیدار گشته است که بخشی از آن ناشی از خلأهای تقنینی و بخش دیگر ناشی از عدم امکان استفاده از تدابیر کیفری - همچون حبس و جایگزین‌های آن - در وضعیت کنونی است. در چنین وضعیتی که عامه مردم بیشتر خواهان امنیت هستند امکان چرخش به سمت مدل‌های اقتدارگرایانه که می‌تواند موجب آسیب‌های فراوان بر حقوق شهروندان گردد وجود دارد. از این رو لازم است تا با بهره‌گیری هرچه بیشتر از یافته‌های علمی و تجربی بر بازنگری در سیاست جنایی تقنینی و قضایی و اجرایی اقدام کرد. در این راستا به‌ویژه بر حفظ مشارکت مردمی و نیز استفاده بهینه از فضای مجازی تأکید می‌شود و راهبرد بسیار مهمی که نیازمند اندیشیدگی فراوان و قانونگذاری مناسب است.

منابع

۱. ایروانیان، امیر؛ «شناخت تجربی در بستر انگاره‌های ذهنی نظام سیاست‌گذار جنایی»، دایرةالمعارف علوم جنایی؛ زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ چ ۲، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵.
۲. جمشیدی، علیرضا؛ سیاست جنایی مشارکتی؛ تهران: میزان، ۱۳۹۰.
۳. حسین‌زاده فرمی، مهدی؛ «کرونا متابه آزمایش نقض‌کننده (جستاری در گسست واقعیت‌های اجتماعی جامعه ایرانی)»، جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران ویروس کرونا در ایران؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۹.
۴. حسینی، سیدمحمد؛ سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: سمت، ۱۳۹۳.
۵. دلماس مارتی، میری؛ نظام‌های بزرگ سیاست جنایی؛ ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۸۱.
۶. سرافراز، حسین؛ اپیدمی کرونا و آندمی نامنی؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۹.
۷. سیگل، لاری جی؛ اصول اساسی جرم‌شناسی؛ ترجمه اکبر وروایی، حمید فاطمی موحد و مهدی مقیمی؛ تهران: دانشگاه انتظامی امین، ۱۳۹۴.
۸. شیعه‌علی، علی، وحید زارع و مجتبی زارع؛ «جایگاه سیاست جنایی مشارکتی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی؛ ش ۴ و ۵، ۱۳۹۴، ص ۳۱-۲۸۷.
۹. فتحی بهنسی، احمد؛ السياسة الجزاییة فی الشریعة الإسلامیة؛ چ ۸، بیروت: دارالشروق، ۱۴۰۳ق.
۱۰. قناد، فاطمه و مسعود اکبری؛ «امنیت‌گرایی سیاست جنایی»، پژوهش حقوق کیفری؛ ش ۱۸، ۱۳۹۶، ص ۳۹-۶۷.
۱۱. کشاورز، خدیجه؛ «ویروس کرونا، ما نظاره‌کنندگان نگران و توسعه روابط انسانی»، جستارهایی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران ویروس کرونا در ایران؛

تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۹.

۱۲. گسن، رمون؛ «بحران سیاست جنایی کشورهای غربی»، مجله تحقیقات حقوقی؛ ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ ش ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۷۱، ص ۲۷۵-۳۳۶.

۱۳. مقدسی، محمدباقر و محمد فرجیها؛ «ویژگی‌های سیاست کیفری عوام‌گرا (مطالعه تطبیقی)»، مطالعات حقوقی تطبیقی؛ ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۳۷-۱۵۵.

۱۴. ولد، جرجو برنارد، توماس و اسنیپس جفری؛ جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)؛ ترجمه علی شجاعی؛ تهران: سمت، ۱۳۸۰.

15. Hagan, John, modern, Criminology, Crime, Criminal behavior and its Control, MG Graw, Hill, 1986.

16. How Criminals profit from the covid 19 pandemic; new Europol report in latest derelopromits of covid _ 19 on the criminal landscape in the Eu, 27 mar, 2020/05/30.

17. Nirmala. k, Glory, criminology: teaching material, 2009.

18. preparedness, prevenhon and control of covid _ 19 in prisons and other places of detention, worls Health organization, 15 match 2020.